

## آیا هویت افغان دارای این مفاسد اخلاقی نیست ؟

دکتر بصیر کامجو

رهبان و حاکمان افغان بنسبت پیشبرد سیاست جنگ و جنایت و امضا توافقات خاکفروشانه با انگلیسها و نهاد های سرمایه جهانی ، جهت استقرار و تداوم حاکمیت سیاسی افغانی خویش در زیاده از دوسده اخیر ، خیانت بزرگی رادر حق شهروندان این سرزمین انجام دادند. و باین کار نابخردانه آنها ، هویت ملی قوم افغان را در ذهنیت ملیت های تاجیک و هزاره و ازبک داغان و بی ارزش ساختند . اکنون نزد شهروندان غیر افغان ، هویت افغانی نمی تواند تبلور هویت و غرور ملی و همگانی باشد ، بلکه این هویت متجلی مفاهیم و مفاسد اخلاقی غیر قابل قبول زیر است .

**نزد مردم عام کشور ما افغان به مفهوم :** فغان ، نالان ، سرگردان ، انفجار ، انتحار ، انشقاق ، چنگدگانی ، اختناق ، خفگی ، افتراق ، جدایی ، پراکندگی ، بی فرهنگی ، بی هویتی ، کمسودی ، خود خواهی ، خود پسندی ، خود کامگی ، خود رایبی ، خودسری ، خیره سری ، یکدنگی ، آدم کشی ، قتل و قتال ، خون خواری ، خونریزی ، بیرحمی ، بی احساسی ، پُرویی ، بی شرمی ، لجاجت ، گستاخی ، سفاکی ، سنگدلی ، ظلم ، ستمکاری ، خاکفروشی ، چشم سفیدی ، وابستگی بغیر ، ... .

**افغان گویا :** مهاجم ، متجاوز ، چنگ انداز ، غاصب ، زورگیر ، ناسازگار ، مخالف پیش رفت ، ضد تکامل ، واپسگرا ، آواره ، در بدر ، خاکبسر ، فراری ، گم گشته ، بی خانمان ، کوچی ، مهاجر ، پراکنده ، پریشان ، غیر تکامل ، خود افاده ، خدا ناشناس ، مخالف دین ، مخالف زن و مادر ... .

**بنأ سیاست حاکمان افغان خود معرف این عمل است که ، افغان یعنی :** مولد جنگ ، مولد جنایت ، مولد خشم ، مولد خشونت ، مولد دود و باروت ، مولد مواد مخدر ، مولد ویرانی ، مولد فقر و گرسنگی ، مولد بیکاری ، مولد بی خانگی ، مولد همه چیزی که مخالف انسان و انسانیت است تعبیر می شود .

آیا این همه چیزهای ناپاک و آلوده ، پست و بی ارزش ، دارای مفاسد اخلاقی ، میتواند هویت ملی ما مردم مهرورز ، نیکوسرشت ، انسانگرا ، تکامل پسند ، صلحخواه و آزادی پرور گردد . که نه خیر ! زیرا نزد مردم بومی این سرزمین هویت بمفهوم :

ارزش نماد ممتاز شدن از غیر خود ، تعیین یافتن شایسته سالاری و معین گردیدن جایگاه و مقام ؛ شناسنامه ، عزت و منزلت ، غرور و افتخار یک انسان و یاملت است . چیستی این ارزش درشی کیفیت ، و کیستی آن در انسان ، کرامت و معرفت می باشد .

هویت نوعی خودشناسی فرد و یا یک ملت است که در مقایسه با دیگران به تصویر می آید . و به انسان شخصیت مستقل می بخشد ، پیوستگی و وابستگی با گذشته ، جهت گیری نسبت به آینده را در روح و روان فرد ایجاد می کند ، و وی راپایبند به حفظ مفاخر و عناصر ممیزه ملی می سازد .

**هویت ملی :** حاصل سعی و کوشش ، جدوجهد هزاران سال نسل های گذشته و حال می باشد .

هویت ملی هستی و وجود ، اساس و ریشه یک ملت ، شناساندن ارزش تاریخی ، علمی ، فرهنگی ، زبانی ، حقوقی ، اخلاقی ، روانی ، دینی ، جغرافیایی سیاسی ... یک ملت است .

هویت ملی ، مهم ترین رکن اساسی شخصیت فرد است ، که ماهیت ذاتی و کسبی وی را مشخص می کند و نمای ویژه متمایز او از دیگر افراد میگردد .

تعلق اندیشه و احساس انسانها به هویت ملی خیلی با اهمیت است و این تعلیق در افزایش میزان خوشحالی و انسجام اجتماعی جامعه و فرد مفید واقع می شود .

در افغانستان امروزی اقوام و ملیت های مختلف با هویت های جداگانه و عمومی ، اعم از : تاجیکها ، پشتونها ، هزاره ها ، ازبکها و ترکمانها... و غیره در یک جغرافیایی سیاسی مشترک ، پهلوی هم زندگی دارند .

بر اساس اسلوب جامعه شناسی میتوان اقرار کرد که ، میان این همه گروه های اتنیکی تفاوت های عمیق تعلقی خاطر نسبت به هویت ملی ، ارزشهای تاریخی ، فرهنگی و زبانی ، وجود دارد . بسبب وجود همین تفاوت ها به مشترکات هویت ملی میان اقوام و ملیت های جامعه افغانستان بوده و هست که این مشکل ، توانسته روند آمیختگی مؤلفه های تشکیل " ملت همبسته " را در افغانستان سد واقع شود .

ازین باعث است که تاکنون در کشور ما ساختار مادی و معنوی بنام - ملت ، وحدت ملی ، حاکمیت ملی ، منافع ملی عرض وجود نکرده است . بکاربری این مفاهیم از طرف حاکمان افغان و بلی گویان کمسواد ایشان ، در اسناد دولتی و رسانه ها یک شعار انتزاعی ، یک برخورد مجرد سیاسی زمانی ای ، بیش نیست .

زیرا شهروندان "ملت واحد " و همبسته هیچ گاه مقابل یکدیگر سلاح بر نمی دارند . و با احساس پیوستگی به مشترکات هویت ملی ، جهت حفظ مفاخر و تعلقی خویش به ممیزه ملی ، همبسته عمل می نمایند .

اما با تأسف که در کشور ما چنین چیزی وجود ندارد . هر روز به نسبت خصومت های متضاد قومی و زبانی و اتنیکی و تفاوت های عمیق فرهنگی و تاریخی ، افراد جامعه قربانی می دهند و وحشیانه کشته می شوند .

یک ملیت بیل در دست نهال می شاند و گندم می کارد و تولید می کند ؛ و دیگر قوم تفنگ در دست آدم می کشد ، خشخاش کشت می کند و مصرف می نماید ؛ یک ملیت مکتب و خانه و کاشانه اعمار می نماید ؛ دیگری آنرا می سوزاند و به خاک یکسان می کند ؛ یک ملیت به کرامت و نجابت انسان و مادر حرمت و ارزش قایل است ؛ دیگر ملیت ، آزادگان را گردن می زند و مادروطن را سنگسار می کند و زنده به گور می نماید ؛ و غیره .

این و هزاران تفاوت های عمیق فرهنگی ، اخلاقی ، تاریخی و زبانی وجود دارد که ملیت ها و اقوام این سرزمین را از همدیگر متمایز می سازد .

تحمیل هویت ملت پشتون = افغان ، بوسیله حاکمان این تبار ، بالای ملیت ها و ولایه های اجتماعی : تاجیک و هزاره و ازبک و ترکمن و هندو و عرب و ... ، یک رویکرد سبکسرانه است ، و همچنان نمادی از هویت یگانه ساکنین این کشور نمی باشد . و امکان عملی شدن چنین سیاست های قرون وسطایی عقبگرا در عصر ما هواره ای قرن بیست و یکم ، خیالی هم بیش نیست .

زیرا تاریخ عالی مرتبه ، زبان و فرهنگ غنامند این سرزمین ریشه در گذشته های خیلی دور دارد . با این جامه خون چکان افغانی ، قامت بلند بالا این سرزمین خورشید ، علم و معرفت را نمی توان پوشانید .

من به این اعتقاد کامل دارم ، که هیچ ملیت و قومی در کشوری بنام " افغانستان " هویت یک دیگر خود را منحیث هویت ملی نمی پذیرند و نخواهند پذیرفت .

زمانی هویت ملی مورد قبول ملیت ها و اقوام ساکن این سرزمین واقع می شود که آن هویت انعکاس دهنده نماد هویت جمعی و مشترکات ملی باشد . و در آن ارزشهای هویتی ، هر قوم و ملیت خود را شریک بداند و تعلقی خاطر و عشق و احساس به آن داشته باشد .

یگانه هویتی که همچو جایگاه را در قلب همه ملیت ها و اقوام ساکن کشور ما احراز می کند ، **هویت ملی خراسانی** است . زیرا ! زیر نام این هویت مبارک نور و روشنایی است که تمام شهروندان جامعه ما بدون استثناء میتوانند تثبیت هویت شوند و به آن افتخار نمایند.

به امید خدا آرزو می بریم که روزی ، تحت نام **هویت ملی خراسانی** - اعتماد ملی ، همبستگی ملی و حاکمیت ملی در سرزمین خورشید و آفتاب برآمد دوباره ایجاد گردد . **موفق باشید**